

فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی

سال بیست و سوم، شماره ۷۴، تابستان ۱۳۹۴، صفحات ۳۰-۵

تأثیر حداقل دستمزد بر قیمت کالاها و خدمات در بخش صنعت:

مطالعه موردی ایران

سعید عیسی‌زاده

دانشیار دانشگاه بوعلی سینا همدان (نویسنده مسئول)

saeedisazadeh@gmail.com

راضیه علمیان

کارشناس ارشد اقتصاد

Razieh_elmian@yahoo.com

چکیده

امروزه یکی از موضوعات مهم اقتصادی در بازار کار تعیین حداقل دستمزد است. این اقدام معمولاً در جهت حمایت از نیروی کار، حفظ و ارتقای قدرت خرید و رفاه زندگی شاغلین در بازار کار، اتخاذ می‌گردد. اما اهمیت اصلی این موضوع بیشتر به سبب تأثیر اجتماعی و اقتصادی آن است. پژوهش حاضر تلاش کرده است تا اثر افزایش در حداقل دستمزدها را بر قیمت کالاها و خدمات، در بخش صنعت در ایران، با استفاده از جدول داده-ستانده سال ۱۳۸۰ شمسی، در قالب فرضیه‌ها مختلف مورد ارزیابی قرار دهد. به منظور ارزیابی اثرات افزایش حداقل دستمزد تحت دو فرضیه پوشش کارکنان حداقل دستمزد را ۱۳/۵ درصد و ۲۸ درصد و همچنین در حالت‌های بدون سرریز و با وجود آن در نظر گرفته شده است. با توجه به افزایش ۲۴ درصدی در سال ۱۳۸۰ ش در حداقل دستمزدها، نتایج به‌دست آمده از تخمین مذکور، نشانگر اثر مثبت تعیین حداقل دستمزد بر قیمت‌ها به شیوه کنونی است که به طور متوسط افزایش ۰/۲۱ تا ۰/۶۱ درصدی را در قیمت‌های بخش صنعت در فرضیه‌های مختلف نشان می‌دهد. بنابراین، طبق نتایج به‌دست آمده مشخص می‌شود که اثر حداقل دستمزد بر قیمت‌ها قابل ملاحظه نمی‌باشد.

طبقه‌بندی JEL: E24, J31

واژه‌های کلیدی: حداقل دستمزد، سطح عمومی قیمت‌ها، اثرات سرریز، تحلیل داده-ستانده، بخش صنعت.

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۴

۱. مقدمه

مسئله تعیین حداقل دستمزد برای کارگران همواره یکی از مقولات مجادله‌برانگیز در عرصه کار و تأمین اجتماعی بوده است. تعیین حداقل دستمزد و افزایش‌های منظم یا نامنظم آن اثرات اجتماعی-اقتصادی مختلفی را دربردارد. بنابراین، بررسی ابعاد مختلف تعیین حداقل دستمزد از موضوعات مهم اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی به شمار می‌رود. یکی از جنبه‌های بسیار مهم تأثیر حداقل دستمزد بر هزینه‌های تولید و، در نتیجه، سطح عمومی قیمت‌هاست زیرا بنا به ارتباط‌های بین بخشی در اقتصاد، افزایش سطح دستمزد در جامعه موجب بروز اثرات مرحله‌ای در کلیه بخش‌های اقتصادی می‌شود. افزایش حداقل دستمزد که معمولاً به منظور حفظ قدرت خرید گروه‌های کارگری اجرا می‌شود، خود می‌تواند باعث تورم شود. چرا که افزایش حداقل دستمزدها منجر به افزایش هزینه‌های نیروی کار و افزایش هزینه تولید خواهد شد که اگر هزینه افزایش یافته نیروی کار را مصرف‌کنندگان آن صنعت بپردازند در این صورت قدرت خرید واقعی مصرف‌کنندگان کاهش خواهد یافت و خانوارهای کم-درآمد که افزایش حداقل دستمزد، بیشتر برای کمک به آنها صورت گرفته بود، آسیب بیشتری می‌بینند. به عبارت دیگر، افزایش در حداقل دستمزد ممکن است خود باعث کاهش دستمزد واقعی شود. در این مطالعه تلاش شده است اثر افزایش در حداقل دستمزدها را بر قیمت کالاها و خدمات، در بخش صنعت در ایران با استفاده از جدول داده-ستانده سال ۱۳۸۰ ش، در قالب فرضیه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه به بررسی مبانی نظری موضوع و مروری بر مطالعات تجربی پرداخته شده است. سپس با تشریح مدل داده ستانده و فرضیه‌های گوناگون مدل‌های مختلف برآورد شده‌اند. در پایان نیز نتایج و پیشنهادات ارائه گردیده است.

۲. مبانی نظری

مبانی نظری خرد درخصوص حداقل دستمزد چنین بیان می‌کنند که کارفرماها هنگامی که با افزایش-های حداقل دستمزد مواجه می‌شوند، از تعداد شاغلین در بنگاه می‌کاهند. همین امر باعث شده است تا شواهد گسترده‌ای درباره تأثیرات اشتغالی حداقل دستمزد وجود داشته باشد. اما نظریات اقتصادی همچنین پیش‌بینی می‌کنند که اگر بنگاه با یک شوک هزینه، همانند افزایش‌های حداقل دستمزد، مواجه شود، می‌تواند آن را به قیمت‌ها منتقل کند.

شواهد تجربی موجود همواره اثر منفی روی اشتغال را که به وسیله تئوری پیش‌بینی می‌شود، تأیید نمی‌کنند. همین زمانی که استخدام و سود تحت تأثیر قابل توجه قرار نمی‌گیرند، قیمت‌های بالاتر همچون راه دیگری برای عکس‌العمل به افزایش حداقل دستمزد ظهور می‌کنند. در صورتی افزایش

حداقل دستمزد به قیمت‌ها منتقل نمی‌شود که بنگاه‌هایی که از این شوک متأثر شده‌اند مجبور به رقابت با بنگاه‌هایی باشند که به وسیله این افزایش هزینه متأثر نشده‌اند و گرنه چنانچه شوک در سطح صنعت باشد افزایش قیمت‌ها حتمی است (لموس، ۲۰۰۶).

مبانی نظری شکل گرفته درخصوص پدیده تورم نشان می‌دهد که تورم ناشی از فشار هزینه به دلیل افزایش هزینه‌های تولید و انتقال منحنی عرضه کل اتفاق می‌افتد. این نظریه در دهه ۷۰ میلادی همزمان با بروز پدیده تورم توأم با بیکاری به وقوع پیوست. در اوایل این دوره شوک نفتی دوم اتفاق افتاد که در نتیجه آن تورم و بیکاری به صورت همزمان افزایش و نرخ‌های رشد بهره‌وری کاهش یافت. این اتفاقات مفهوم جدیدی را در اقتصاد رواج داد که با عنوان تورم رکودی معروف شد. (ایتول و همکاران، ۱۹۸۸). از همین زمان بود که عمودی بودن منحنی فیلیپس بلندمدت در یک نرخ طبیعی بیکاری، صرف نظر از نرخ تورم موجود مطرح شد که بر این اساس در بلندمدت رابطه مبادله بین تورم و بیکاری وجود ندارد. (بورجاس، ۲۰۰۵)

۳. مروری بر مطالعات تجربی

در ارتباط با این موضوع تحقیقات زیادی در کشورهای مختلف صورت گرفته است. بسکر و تو^۱، در اگوست ۱۹۹۸، در مقاله‌ای با نام "حداقل دستمزدها برای انحصارهای خرید رونالد مک دونالد" به یک مدل رقابت انحصاری برای ارزیابی تأثیر حداقل دستمزد اشاره می‌کنند و به این نتیجه می‌رسند که اگر بازار رقابتی باشد استخدام و قیمت صنعت با هم رابطه عکس دارند؛ اما اگر بنگاه‌ها از قدرت بازاری تولید برخوردار باشند یک افزایش در حداقل دستمزد، استخدام و قیمت‌های صنعت را افزایش می‌دهد.

لموس (۲۰۰۶) [در مطالعه وضعیت برزیل] از تجزیه و تحلیل رگرسیونی و داده‌های قیمت مصرف‌کننده ماهانه به علاوه داده‌های خانوارها (برآورد اشتغال ماهانه)^۲ و داده‌های بنگاه (برآورد صنعتی ماهانه)^۳، مربوط به سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۸۲ م، استفاده کرد و فهمید که ۱۰ درصد افزایش در حداقل دستمزد، قیمت‌های سراسری را حدود ۰/۸ درصد، بعد از ۵ ماه از تعدیل، افزایش می‌دهد. لموس (۲۰۰۴) همچنین دریافت که یک افزایش ۱۰ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت‌های پرداخت شده به وسیله فقرا (ثروتمندان) را در حدود ۰/۱۲ درصد (۰/۰۴ درصد)، در همان ماه افزایش [حداقل

1. Ted To
2. PME
3. PIM

دستمزد]، در حدود ۰/۲۷ درصد (۰/۱۶ درصد) بعد از ۶ ماه، و در حدود ۰/۱۷ درصد (۰/۱۵ درصد) بعد از ۱۱ ماه، افزایش می‌دهد. این مورد اشاره می‌کند که تورمی که مصرف‌کنندگان فقیر در برزیل تجربه می‌کنند ۳ برابر بالاتر از مصرف‌کنندگان ثروتمند در ماه افزایش [حداقل دستمزد] باید. این اثر متفاوت در طول زمان کاهش می‌یابد و به طور کلی نرخ یکسانی بعد از یک سال از تعدیل وجود دارد. ولف و ندیری (۱۹۸۱) با فرض اثر انتقال کامل، بدون اثرات جانشینی، بدون در نظر گرفتن اثر اشتغال و بدون اثرات سرریز، برآورد کردند که افزایش ۱۰ تا ۲۵ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت‌ها را در حدود ۰/۳ تا ۰/۴ درصد افزایش می‌دهد. یک بخش مهم از مدل آنها، اقامه کردن دلیل موجه برای ناموفق نشان دادن مدل‌های داده-ستانده برای پیش‌بینی عکس‌العمل‌های بلندمدت می‌باشد. این موضوع به دلیل فرض ضمنی نبودن جانشینی بین کالاها و خدمات و فرض ثابت بودن اشتغال و تولید در کوتاه‌مدت است.

لی و اوروارک (۱۹۹۹) تأثیرات افزایش حداقل دستمزد را بر قیمت‌های غذا، تولیدات وابسته و صنایع خدمات غذایی در آمریکا بررسی کردند. نتایج نشان داد که در دوره مورد مطالعه (۱۹۹۷-۱۹۷۲ م) افزایش نیم دلار در حداقل دستمزد، قیمت‌ها را کمتر از یک درصد برای بیش از ۱۲ نوع غذا و تولیدات وابسته و یک درصد در محل‌های صرف غذا و نوشیدنی افزایش می‌دهد و یکی از نتایجی که گرفتند این بود که در صنایع غذایی با افزایش حداقل دستمزد، درصد کارگران با دستمزد پایین کاهش می‌یابد و، در نتیجه، فشار کمتری بر قیمت کالاها وارد می‌شود. اما در محل‌های صرف غذا و نوشیدنی، با افزایش حداقل دستمزد، درصد کارگران حداقل دستمزد افزایش می‌یابد و، در نتیجه، فشار بیشتری بر قیمت غذا وارد می‌شود. نتیجه دیگری که گرفتند این بود که افزایش قیمت در کل صنعت خیلی بالا نبود. بنابراین، بعید است که هزینه‌های بیشتر غذا، دستمزد کارگران با حداقل دستمزد را کاملاً خنثی کند.

لی و همکاران (۲۰۰۰) در بررسی‌شان به این نتیجه می‌رسند که در آمریکا در سال ۱۹۹۲ م، افزایش ۱۲ درصدی در حداقل دستمزد کمتر از یک درصد قیمت‌های غذا را در محل‌های صرف غذا و نوشیدنی و کمتر از ۰/۴ درصد قیمت غذاهای فرآوری شده را افزایش می‌دهد و در سال ۱۹۹۷ م، ۹ درصد افزایش در حداقل دستمزد، قیمت‌های غذا را ۰/۹ درصد در محل‌های صرف غذا و نوشیدنی و کمتر از ۰/۳ درصد در قیمت غذاهای فرآوری شده افزایش می‌دهد.

در تحقیقی مشابه، اوبراین و مک‌کوردی (۲۰۰۰) یک دیدگاه هزینه و منفعت برای افزایش حداقل دستمزد دارند. آنها نشان دادند که افزایش حداقل دستمزد در ایالات متحده، در ۲۰۰۰-۱۹۹۹ م، خانواده‌های کالیفرنایی را تحریک می‌کند تا بعد از اینکه درآمدهای بالاتر را دریافت کردند مبلغ

بیشتری را برای کالاها و خدمات پرداخت کنند. آنها برآورد کردند که افزایشی ۱۰ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت‌های کالا را در حدود ۰/۳ تا ۲/۱۶ درصد افزایش می‌دهد. روی هم رفته، یافته‌های کلیدی تحقیقشان این بود که خانوارهای فقیر کمتر از نیمی از منافع اضافی [ناشی از حداقل دستمزد] را به دست می‌آورند.

مک کوردی و مک اینتایر^۱ (۲۰۰۱) برآورد کردند که یک افزایش ۱۰ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت‌های سراسری را در حدود ۰/۲۵ درصد و قیمت‌های غذایی را که در بیرون (درون) خانه مصرف می‌شود در حدود ۱/۲ درصد (۰/۸ درصد) افزایش می‌دهد.

در اقتصاد ایران نیز جلالی نائینی و میرحسینی (۱۳۷۷)، در مقاله‌ای با عنوان «یک الگوی تلفیقی تورم: فشار هزینه و اضافه تقاضا» به بررسی اثر تکانه‌های تقاضا و فشار هزینه بر تورم، طی دوره ۷۵-۱۳۳۸ ش، به روش اقتصادسنجی پرداختند. در این الگو، تورم به صورت یک کنش عرضه و تقاضا، یعنی جمع فشار هزینه و مازاد تقاضا در نظر گرفته شده است. بخش عرضه به بررسی مسئله فشار هزینه و اثر آن بر سطح قیمت‌ها می‌پردازد. در این بخش، اثر سطح دستمزدها و سطح قیمت کالاهای وارداتی و دیگر عوامل هزینه‌ای بر سطح کل قیمت‌ها بررسی می‌شود. در بخش دوم، عملکرد بازار پول و اثر افزایش نقدینگی بر تقاضای اسمی و تأثیر آن بر سطح قیمت‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. نتایج بلندمدت ناشی از تخمین الگو نشان می‌دهد که شاخص قیمت کالاهای وارداتی بیشترین تأثیر را در افزایش قیمت دارد. همچنین حجم پول بر سطح قیمت‌ها تأثیر بسیار می‌گذارد و در مراحل بعد سطح دستمزدهای واقعی و نرخ ارز اثرات مثبتی بر سطح قیمت‌ها دارند.

در مطالعه دیگری، جهانی راینی و همکارانش (۱۳۸۶)، به بررسی تورم در ایران به صورت تجربی و با کمک آمار و ارقام پرداختند. ایشان یکی از دلایل تورم در ایران را تورم ناشی از فشار هزینه عنوان کردند و اشاره کردند که افزایش حقوق و دستمزد مهم‌ترین منبع تورم از مقوله فشار هزینه است. ایشان اشاره کردند که آمار شاخص هزینه دستمزد در سال‌های اخیر (۱۳۷۹ تاکنون) در سه حوزه فوق نشان‌دهنده افزایش دو رقمی این ارقام است و بالاترین رشد، مربوط به رشد حقوق و دستمزد در بخش صنعت بوده که متوسط رشد دستمزد در این بخش در سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۷۹ ش، حدود ۳۱ درصد بوده است. البته رشد دستمزد و حقوق خدمات ساختمانی نیز ۱۹ درصد بوده که البته بالاتر از نرخ رشد متوسط تورم در همین دوره است. کمترین رشد دستمزد هم به کارکنان دولت اختصاص دارد. با این

1 . McIntyre

اوصاف، جهانی و همکارانش یکی از راهکارهای اجرایی سمت عرضه را برای کنترل تورم در بلندمدت، تعیین دستمزد بر اساس کارایی و بهره‌وری معرفی کردند.

۳. حداقل دستمزد در ایران

در ایران طرح آیین‌نامه مربوط به حداقل دستمزد و طبقه‌بندی کارگران برای اولین بار از طرف شورای عالی کار، در سال ۱۳۲۵ ش، توسط هیأت وزیران به تصویب رسید. حداقل دستمزد کارگر ساده طبق این آیین‌نامه، در تمام نقاط کشور بر اساس هزینه زندگی تعیین شد. به‌رغم تأثیری که مفاد این آیین‌نامه در ثبات اوضاع کارگری داشت، به علت اوضاع نابسامان اقتصادی، جز در مرکز آبادان و مناطق نفت-خیز در سال ۱۳۳۷ و در چارچوب پیمان‌های خاص دسته‌جمعی، در جای دیگری به مرحله اجرای قطعی نرسید (روند حداقل مزد، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۷۳).

پس از تصویب قانون کار در سال ۱۳۳۷ ش، و تأیید همان اصول، آیین‌نامه‌ای در ۱۳۳۹ ش، به تصویب شورای عالی کار رسید که این آیین‌نامه به اجرا درنیامد و آیین‌نامه مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۱۵ شورای عالی کار جایگزین آن شد (باقری نژادیان فرد، ۱۳۷۷). بر پایه ماده ۲۲ قانون کار، مصوب ۱۳۳۷ ش، حداقل دستمزد می‌بایست هر دو سال یک بار از سوی توسط هیئتی مرکب از نمایندگان دولت، کارفرماها و کارگران پیشنهاد گردد و پس از تأیید وزارت کار و امور اجتماعی و تصویب شورای عالی کار به اجرا گذارده شود (گزارش راجع به مزد، اداره کل بهره‌وری و مزد، ۱۳۸۱).

شورای عالی کار از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ ش، حداقل دستمزد را بر مبنای صنایع مختلف و نیز مناطق سه‌گانه (منطقه یک، مراکز استان‌ها و مناطق دو و سه شهرهای دورتر) تعیین کرد (روند حداقل مزد، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۷۳). در ۱۳۵۲ نیز مقرر شد که حداقل دستمزد، به جای دو سال یک بار، در هر سال تعیین گردد (ملک‌محمدی، ۱۳۶۸).

در ادامه پیگیری اهداف تعیین حداقل دستمزد و به استناد ماده ۲۲ قانون کار و تبصره ۵ ماده واحده قانون اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارگاه‌ها، شورای عالی کار، ضمن ادغام مناطق یک و دو در تاریخ ۱۳۵۶/۱/۲۷ ش، حداقل دستمزد واحدی را برای کل کشور و حداقل دستمزدهای مختلفی را برای صنایع مختلف تعیین نمود (مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۱۳۸۰). از آغاز سال ۱۳۵۸ تقسیم‌بندی بر حسب صنایع نیز حذف و یک حداقل دستمزد کلی اعلام شد. از این سال به بعد (به غیر از سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳ ش) حداقل دستمزد هر ساله افزایش یافته است.

همزمان با بررسی وضعیت حداقل دستمزدها در ایران با بررسی شاخص‌های قیمت در ایران نیز درمی‌یابیم که با افزایش حداقل دستمزدهای جاری در ایران شاخص‌های قیمت نیز افزایش یافته است. بنابراین، بررسی اثرگذاری تعیین حداقل دستمزدها بر شاخص‌های قیمت از جمله موضوعات مهم اقتصادی، به‌ویژه در ایران، است.

۳-۱. مدل داده-ستانده انتقال هزینه دستمزد به قیمت

مدلی که در اینجا به کار می‌بریم، در واقع روشی است که در آن بنگاه‌ها در یک بازار رقابت کامل، قیمت‌هایشان را با هزینه متوسط و نهایی برابر می‌کنند. تحت این شرایط، هر افزایشی در هزینه نیروی کار (دستمزد) از طریق تأثیر سهم نیروی کار از هزینه عملیاتی، منجر به افزایش قیمت تولید صنعت می‌شود. بنابراین، در این روش نه تنها انتقال هزینه‌های مستقیم حداقل دستمزد را در یک بخش تحلیل می‌کنیم، بلکه تأثیر هزینه‌های غیر مستقیم را بر بخش‌های مرتبط نیز مورد کنکاش قرار می‌دهیم. از آنجایی که ممکن است هزینه افزایش یافته دستمزدها به صورت کامل به قیمت‌ها منتقل نشود، تخمین ما با عنوان «حد بالای» اثرات قیمتی افزایش حداقل دستمزد تفسیر می‌شود زیرا یکی از فرض‌های مدل داده-ستانده فرض انتقال کامل می‌باشد.

نکته دیگر آنکه در تابع تولید لئونتیف، جانشینی در میان نهاده‌ها وجود ندارد. در اینجا نیز فرض می‌شود که در یک دوره مشخص، با ظرفیت‌های تولید موجود برای هر بخش، همواره یک ترکیب از منابع وجود دارد که بنگاه‌ها به عنوان بهینه در نظر می‌گیرند. بنابراین، هزینه واحد تولید شامل نهاده‌های واسطه‌ای و هزینه ثابت عوامل اولیه مستقیم است. قیمت هر واحد تولید شامل نهاده‌های کالایی است که در تولید به کار رفته است که هر کدامشان بر اساس وزنشان در ستانده کالا مشخص می‌شوند و با قیمت نهاده‌های نیروی کار و سرمایه جمع می‌شوند. در حال تعادل، بهای واحد قیمت تولید بخش j ام، P_j ، ارزش نهاده‌های واسطه و عوامل اولیه تولید را به صورت زیر مورد بحث قرار می‌دهد:

$$P_q = A' * P_a + R + W \quad (1)$$

که P_q بردار قیمت‌های تولید بخشی (P_j) ها، P_a بردار قیمت‌های نهاده‌ها (P_i) ها، R و W بردار مازاد عملیاتی و جبران خدمات کارکنان $(L * P_l)$ ، و A ماتریس ضرایب فنی داده-ستانده است. مازاد عملیاتی، آن بخش از باقیمانده درآمد بعد از پرداخت به نیروی کار است. قیمت‌های نهاده یک مجموعه موزون از قیمت‌های واردات و قیمت‌های تولیدات داخلی است. بنابراین:

$$P_a = b * P_M + (I - b) * P_q \quad (2)$$

که PM بردار قیمت‌های واردات (Pm ها) و b ماتریس قطری وزن‌ها، b هستند. اگر وزن‌ها، b، سهم واردات در کل تقاضای داخلی (m + q - x) باشد و صرف نظر از نوع تقاضای داخلی ثابت باشند، بنابراین:

$$b = (m + q - x) \cdot m \quad (۳)$$

که m بردار واردات، q بردار تولیدات داخلی، و x بردار صادرات و m، q و x به ترتیب ماتریس قطری بردارهای m، q و x می‌باشند. از معادله (۱) با توجه به معادله (۳) داریم:

$$Pq = [I - A' \cdot (I - b)]^{-1} (A' \cdot b \cdot PM + R + W) \quad (۴)$$

در اینجا Pq بردار قیمت‌های جدید ستانده است. با استفاده از این معادله می‌توانیم قیمت‌های جدید ستانده بخش را محاسبه کنیم. البته با این فرض که غیر از افزایش حداقل دستمزد، در هزینه‌های دیگر هیچ افزایشی صورت نمی‌گیرد. همچنین، قیمت‌های جدید انتظاری ستانده براساس این فرض است که تولیدکنندگان می‌توانند هزینه افزایش یافته نهاده در نتیجه افزایش حداقل دستمزد را به قیمت کالاها منتقل کنند^۱:

$$dPq = [I - A' \cdot (I - b)]^{-1} \cdot (A' \cdot b \cdot PM + R + dPl \cdot L), Pl \cdot L = W \quad (۵)$$

که در اینجا dPq قیمت جدید ستانده را در شرایطی نشان می‌دهد که حداقل دستمزد افزایش یابد. عبارات دیگر مانند (A' · b · PM + R) در معادله (۵) بدون تغییر باقی می‌مانند زیرا ما فرض می‌کنیم که در تکنولوژی (A')، قیمت‌های واردات (PM) یا مازاد عملیاتی^۲ (R) هیچ تغییری صورت نمی‌گیرد. (لی و همکاران، ۲۰۰۰)

۲-۳. اثرات سرریز

یکی از مواردی که در این بررسی مورد توجه قرار می‌دهیم اثرات سرریز حداقل دستمزد است. اثرات سرریز باعث می‌شود که افزایش حداقل دستمزد، طبقات مزدی بالاتر را تحت تأثیر قرار دهد، در نتیجه، کل ساختار دستمزد به سمت بالا حرکت کند.

۱. البته این فرض که تولیدکنندگان می‌توانند هزینه افزایش یافته نهاده در نتیجه افزایش حداقل دستمزد را به قیمت کالاها منتقل کنند ضرورتاً درست نمی‌باشد و این مسئله به کشش قیمتی تقاضا و سیاست‌های تجاری کشور (موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای) بستگی دارد.

۲. هر چند در دنیای واقعی با تغییر حداقل دستمزد و افزایش هزینه‌های تولید ممکن است بنگاه مجبور شود سودش را کاهش دهد که در نتیجه آن (درآمدهای اضافی) نیز کاهش می‌یابد.

این امر زمانی اتفاق می‌افتد که کارفرماها دستمزدهای کارگرانی را که قبلاً بیشتر از حداقل دستمزد دریافت می‌کردند افزایش دهند. این موضوع باعث می‌شود توزیع دستمزد بین گروه‌های مزدی پایدار بماند. از آنجایی که این موضوع به تصمیم شخصی بنگاه مربوط است، هیچ‌گونه شواهد تجربی از میزان افزایش دستمزد، به دلیل اثرات سرریز وجود ندارد. مطابق مطالعه چینکوک لی و همکارانش، اثر سرریز یک درصدی و سه درصدی^۱ را بر طبقات مزدی بالاتر از حداقل دستمزد اعمال می‌کنیم.

۳-۳. استفاده از سناریوهای متفاوت

از آنجا که آمار مربوط به درصد شاغلین در سطح حداقل دستمزد در زیربخش‌های صنعت وجود نداشت، به همین منظور از دو گزارش متفاوت در این زمینه استفاده کردیم. یک مورد مربوط می‌شد به یک نمونه‌گیری که در مهر ماه سال ۱۳۷۹ در وزارت کار انجام گرفته بود. در این نمونه‌گیری ۸۲۷ کارگاه بالای ۵۰ نفر کارکن، در کل کشور مورد بررسی قرار گرفته بود که در نتیجه آن ۱۳/۵ درصد از شاغلین این کارگاه‌ها، حداقل دستمزد دریافت می‌کردند (گزارش راجع به مزد، اداره کل بهره‌وری و مزد، ۱۳۷۹). مورد دوم نیز مربوط می‌شد به اظهار نظر وزیر کار و امور اجتماعی که در اسفند ماه ۱۳۸۷، همزمان با اعلام میزان حداقل دستمزد کارگران عنوان کرد که ۲۸ درصد از کارگران، حداقل دستمزد مصوب شورای عالی کار را دریافت می‌کنند. این برآورد شاغلین زیر ۱۰ نفر کارکن را نیز شامل می‌شد. بنابراین، به سبب نبودن آمار مربوط به زیربخش‌های صنعت از همین برآوردها استفاده کردیم و آن را به تمام زیربخش‌های صنعت تعمیم دادیم.

۳-۴. تخمین مدل

برای تخمین مدل ابتدا لازم است واردات زیربخش‌های صنعت به شکل ستونی، یعنی به تفکیک بخش مبدأ، محاسبه گردد. برای این منظور از فرمول زیر برای برآورد مقدار واردات استفاده می‌کنیم:

$$\text{تولید داخلی} + \text{واردات} = \text{مصارف واسطه} + \text{مصارف نهایی}$$

بعد از محاسبه واردات زیربخش‌های صنعت لازم است تا ضریب واردات صنایع نیز تخمین زده شود.

ضریب واردات صنایع نیز با فرمول (۶) به دست می‌آید:

$$b = (m + q - x) - 1 * m \quad (۶)$$

۱. همان‌طور که گفته شد منظور از اثرات سرریز آن است که با افزایش حداقل دستمزدها کل طبقات مزدی به سمت بالا حرکت کند. در این مطالعه نیز تأثیر افزایش حداقل دستمزد را بر طبقات مزدی بالاتر، یک درصد و سه درصد در نظر گرفتیم.

۱۴ فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۷۴

و با توجه به رابطه (۷)، ضریب تولیدات داخلی $(I - b)$ می‌شود.

$$Pa = b * PM + (I - b) * Pq \quad (۷)$$

نتیجه کار را در جدول شماره ۱ ضمایم مشاهده می‌کنیم.

۳-۵. تغییرات هزینه دستمزد صنعت ناشی از تغییر حداقل دستمزد

با توجه به آمار دفتر مزد وزارت کار و امور اجتماعی، حداقل دستمزدها در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ ش، طبق جدول زیر بوده است. همان‌طور که مشاهده می‌کنیم حداقل دستمزد روزانه در سال ۱۳۸۰، نسبت به سال ۱۳۷۹، حدود ۲۴ درصد افزایش یافته است:

جدول ۱. حداقل دستمزدهای روزانه	
سال	حداقل دستمزد روزانه
۱۳۷۹	۱۵۲۶۷
۱۳۸۰	۱۸۹۳۰

مأخذ: محاسبات تحقیق

اما نکته‌ای که در اینجا نیاز به توضیح دارد این است که در این مدل، قیمت واحد تولید در همه بخش‌ها یک در نظر گرفته می‌شود (توفیق، ۱۳۷۱) و از آنجایی که اجزاء این مدل سهم نسبی اقلام گوناگون هزینه را در قیمت ستانده نشان می‌دهد، باید آنها را بر تولید کل تقسیم کنیم. یعنی می‌خواهیم بدانیم از یک واحد تولید، اقلام گوناگون هزینه چه سهمی را دارا می‌باشند. به همین منظور سهم جبران خدمات اولیه از ستانده کل را برآورد می‌کنیم. (جدول شماره ۱، ضمایم)

در ادامه برای برآورد میزان تغییر کل هزینه دستمزد صنعت (جبران خدمات کارکنان) در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹، (ناشی از تغییر حداقل دستمزد)، باید درصد افزایش دستمزد متوسط سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹، سهم مزد و حقوق از جبران خدمات در سال ۱۳۸۰ و درصد شاغلین در سطح حداقل دستمزد را در هم ضرب کنیم. همان‌طور که قبلاً نیز گفتیم برای درصد شاغلین در سطح حداقل دستمزد دو سناریو در نظر گرفته شده است. یکبار آن را برای تمام زیربخش‌های صنعت ۱۳/۵ درصد^۱ و بار دیگر آن را ۲۸ درصد^۲ در نظر می‌گیریم. نتیجه کار در جدول شماره ۳ ضمایم آمده است.

۱. گزارش مزد اداره کل بهره‌وری و مزد وزارت کار و امور اجتماعی، ۱۳۷۹.

۲. به نقل از وزیر کار و امور اجتماعی، *دنیای اقتصاد*، ۱۳۸۷، ش ۱۷۵۷. شایان ذکر است که مستند این رقم گزارشی تحقیقی است که در وزارت کار انجام شده ولی منتشر نشده است و محققان مجبور شدند به سخنان وزیر کار ارجاع بدهند.

۳-۶. برآورد مدل

برای برآورد مدل از معادلات (۸) و (۹) استفاده می‌کنیم:

$$Pq = [I - A' * (I - b)] - 1 (A' * b * PM + R + W) \quad (۸)$$

$$dPq = [I - A' * (I - b) - 1] * (A' * b * PM + R + dPl * L), Pl * L = W \quad (۹)$$

در این معادلات به غیر از W که با تغییر حداقل دستمزد تغییر می‌کند، بقیه عوامل را ثابت در نظر می‌گیریم. علت ثابت گرفتن بقیه اجزای معادله‌ها این است که بر طبق مدل، امکان جایگزینی بین عوامل وجود ندارد. به عبارتی فرض می‌کنیم که در کوتاه‌مدت هیچ نوعی از جایگزینی اتفاق نمی‌افتد. همچنین، خریداران می‌توانند بر اثر تغییر قیمت‌های نسبی اقلام، به جابه‌جایی فرآورده‌ها اقدام کنند که این مورد را هم ثابت در نظر می‌گیریم. هر چند، در نظر گرفتن این فرض محدود کننده است.

در ابتدا جهت تخمین مدل، اجزاء آن را از جدول داده-ستانده استخراج کرده و محاسبه می‌کنیم. اما در محاسبه PM نکته‌ای که لازم است توضیح داده شود این است که معمولاً همه قیمت‌ها برای سالی که جدول داده-ستانده تهیه شده است برابر واحد فرض می‌شود. به عبارت دیگر، قیمت‌ها در سال پایه (سال تهیه جدول داده-ستانده) برابر با واحد است.

حال جهت محاسبه قیمت تولیدات زیربخش‌های صنعت، پیش از تغییر جبران خدمات کارکنان، از معادله (۸) استفاده می‌کنیم. همچنین، با تغییر جبران خدمات، قیمت‌های ثانویه طبق معادله (۹) به دست می‌آید. سرانجام، نتیجه محاسبه درصد تغییر قیمت ناشی از افزایش حداقل دستمزد، بدون در نظر گرفتن اثرات سرریز، به صورت جدول شماره ۲ برای سناریوی ۱ و ۲ می‌باشد.

۳-۷. برآورد مدل با در نظر گرفتن اثرات سرریز

یکی از مواردی که در این بررسی مورد توجه قرار می‌دهیم اثرات سرریز حداقل دستمزد است. برای احتساب این اثر بدین ترتیب عمل می‌کنیم. ابتدا سهم مزد و حقوق از جبران خدمات را در درصد شاغلین بالاتر از حداقل دستمزد - که در سناریوی یک ۸۶/۵ درصد و در سناریوی دو ۷۲ درصد می‌باشند، و در ضریب اثرات سرریز ضرب می‌کنیم.

در ادامه درصد افزایش جبران خدمات ناشی از افزایش حداقل دستمزد و درصد افزایش جبران خدمات ناشی از اثرات سرریز را با هم جمع می‌کنیم. آنچه به دست می‌آید درصد افزایش جبران خدمات ناشی از افزایش حداقل دستمزد با احتساب اثرات سرریز است.

سرانجام، به شیوه قبلی، سهم آن را از ستانده کل محاسبه و درصد افزایش قیمت‌ها را برآورد می‌کنیم. محاسبات در جدول شماره ۳ برای سناریوی ۱ و ۲ ارائه شده است.

۴. جمع‌بندی

همان‌طور که دیده شد تخمین را با دو سناریو و سه روش مختلف انجام دادیم. با توجه به افزایش ۲۴ درصدی در حداقل دستمزدها نتایجی به صورت زیر استخراج می‌شود:

۴-۱. سناریوی اول

در سناریوی اول زمانی که تخمین را بدون اثرات سرریز انجام می‌دهیم، به غیر از دو بخش «سایر فلزات» و «ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت» بقیه بخش‌ها با افزایش قیمت مواجه می‌شوند. این امر بدان دلیل است که به‌رغم افزایش مزد و حقوق، در این دو بخش، دستمزد متوسط کاهش یافته و همین باعث کاهش کل هزینه دستمزد صنعت گردیده است. علت کاهش دستمزد متوسط هم به این سبب است که همزمان با افزایش دستمزد، اشتغال هم افزایش یافته اما نسبت افزایش مزد و حقوق به اندازه اشتغال نیست. (نک: جداول ۲ و ۳، ضمایم)

در این برآورد، افزایش قیمت‌ها بین تقریباً صفر الی ۰/۶۱ درصد است. که به‌طور متوسط افزایش ۰/۲۱ درصدی را در بخش صنعت نشان می‌دهد. بیشترین افزایش قیمت مربوط به بخش «مبلمان» است. در شرایطی که اثرات سرریز را هم در تخمین وارد کنیم، تمام بخش‌ها با افزایش قیمت مواجه می‌شوند. در این صورت، با اثر سرریز یک درصد افزایش قیمت‌ها در محدوده ۰/۷۲ - ۰/۰۶ و با اثر سرریز سه درصد، در محدوده ۰/۹۳ - ۰/۰۸ درصد قرار می‌گیرد و متوسط افزایش قیمت‌ها هم در مورد اول، در حدود ۰/۲۸ درصد، و در مورد دوم، در حدود ۰/۴۳ درصد، تعیین می‌شود. در هر دو مورد ذکر شده بیشترین افزایش قیمت مربوط به بخش «مبلمان» است، اما کمترین افزایش در اثر سرریز یک درصد، در بخش‌های «فرآورده‌های نفتی» و «سایر فلزات» اتفاق افتاده است در حالی که در اثر سرریز سه درصد، کمترین میزان افزایش تنها در بخش «فرآورده‌های نفتی» روی داده است. علت این موضوع آن است که زیربخش «سایر فلزات» دارای ضرایب بزرگ‌تری نسبت به «فرآورده‌های نفتی» هستند؛ به عنوان مثال سهم مزد و حقوق از جبران خدمات و سهم جبران خدمات از ستانده کل در «سایر فلزات» بیشتر از «فرآورده‌های نفتی» است. در نتیجه، با افزایش اثرات سرریز، درصد افزایش قیمت‌ها در «سایر فلزات» با سرعت بیشتری افزایش می‌یابد.

جدول ۲. درصد افزایش قیمت‌ها (بدون اثرات سرریز) در سناریوی ۱ (با پوشش کارکنان حداقل دستمزد ۱۳/۵ درصد) و در سناریوی ۲ (با پوشش کارکنان حداقل دستمزد ۲۸ درصد)

ردیف	عنوان محصولات	درصد افزایش قیمت - ها (در سناریوی ۱)	درصد افزایش قیمت - ها (در سناریوی ۲)
۱	روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی	0.22	0.46
۲	سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	0.07	0.14
۳	محصولات از توتون و تنباکو	0.2	0.42
۴	منسوجات	0.33	0.68
۵	انواع پوشاک	0.26	0.54
۶	انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی	0.38	0.78
۷	محصولات ساخته شده از چوب، چوب پنبه، نی و مواد حصیربافی	0.21	0.44
۸	خمیر کاغذ، کاغذ و محصولات کاغذی، اوراق چاپی و ...	0.24	0.5
۹	فرآورده‌های نفتی	0.05	0.1
۱۰	مواد و محصولات شیمیایی	0.04	0.09
۱۱	محصولات لاستیکی و پلاستیکی	0.25	0.52
۱۲	شیشه و محصولات شیشه‌ای	0.17	0.34
۱۳	سایر محصولات کانی	0.3	0.61
۱۴	مبلمان	0.61	1.26
۱۵	آهن، فولاد و محصولات آن	0.19	0.39
۱۶	سایر فلزات	0	0.01
۱۷	محصولات فلزی	0.17	0.34
۱۸	ماشین آلات با کاربرد عام	0.24	0.5
۱۹	ماشین آلات با کاربرد خاص	0.19	0.39
۲۰	وسایل خانگی و قطعات مربوط	0.18	0.38
۲۱	ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	0.04	0.07
۲۲	ماشین آلات و دستگاه‌های الکتریکی	0.3	0.63
۲۳	تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات	0.26	0.55
۲۴	تجهیزات پزشکی و جراحی و وسائل ارتوپدی	0.36	0.75
۲۵	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۰	۰
۲۶	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و ...	0.03	0.07
۲۷	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	0.34	0.7
۲۸	جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر	0.15	0.3

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۳. درصد افزایش قیمت‌ها با احتساب اثرات سرریز در سناریوی ۱ و ۲

ردیف	عنوان محصولات	سناریوی ۱		سناریوی ۲	
		افزایش قیمت‌ها با اثرات سرریز سه درصد	افزایش قیمت‌ها با اثرات سرریز یک درصد	افزایش قیمت‌ها با اثرات سرریز سه درصد	افزایش قیمت‌ها با اثرات سرریز یک درصد
۱	روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی	0.26	0.35	0.49	0.57
۲	سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	0.09	0.14	0.16	0.2
۳	محصولات از توتون و تنباکو	0.32	0.57	0.52	0.73
۴	منسوجات	0.43	0.64	0.77	0.94
۵	انواع پوشاک	0.37	0.59	0.63	0.82
۶	انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی	0.49	0.7	0.87	1.05
۷	محصولات ساخته شده از چوب، چوب پنبه، نی و مواد حصیربافی	0.29	0.46	0.51	0.64
۸	خمیر کاغذ، کاغذ و محصولات کاغذی، اوراق چاپی و...	0.33	0.52	0.58	0.73
۹	فرآورده‌های نفتی	0.06	0.08	0.11	0.13
۱۰	مواد و محصولات شیمیایی	0.09	0.17	0.12	0.2
۱۱	محصولات لاستیکی و پلاستیکی	0.33	0.5	0.59	0.72
۱۲	شیشه و محصولات شیشه‌ای	0.25	0.43	0.42	0.56
۱۳	سایر محصولات کانی	0.39	0.57	0.69	0.84
۱۴	میلان	0.72	0.93	1.35	1.53
۱۵	آهن، فولاد و محصولات آن	0.23	0.32	0.42	0.5
۱۶	سایر فلزات	0.06	0.18	0.06	0.16
۱۷	محصولات فلزی	0.23	0.36	0.4	0.51
۱۸	ماشین‌آلات با کاربرد عام	0.35	0.57	0.59	0.77
۱۹	ماشین‌آلات با کاربرد خاص	0.23	0.33	0.43	0.51
۲۰	وسایل خانگی و قطعات مربوط	0.25	0.39	0.43	0.55
۲۱	ماشین‌آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	0.09	0.21	0.12	0.22
۲۲	ماشین‌آلات و دستگاه‌های الکتریکی	0.39	0.56	0.7	0.84
۲۳	تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات	0.32	0.42	0.59	0.68
۲۴	تجهیزات پزشکی و جراحی و وسایل ارتوپدی	0.48	0.72	0.85	1.04
۲۵	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های میچی و انواع دیگر ساعت	0.08	0.28	0.04	0.21
۲۶	وسایل نقلیه موتوری، ترلرها و نیم ترلرها، بدنه، قطعات و...	0.07	0.14	0.1	0.16
۲۷	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	0.42	0.6	0.78	0.92
۲۸	جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر	0.18	0.26	0.33	0.4

مأخذ: محاسبات تحقیق

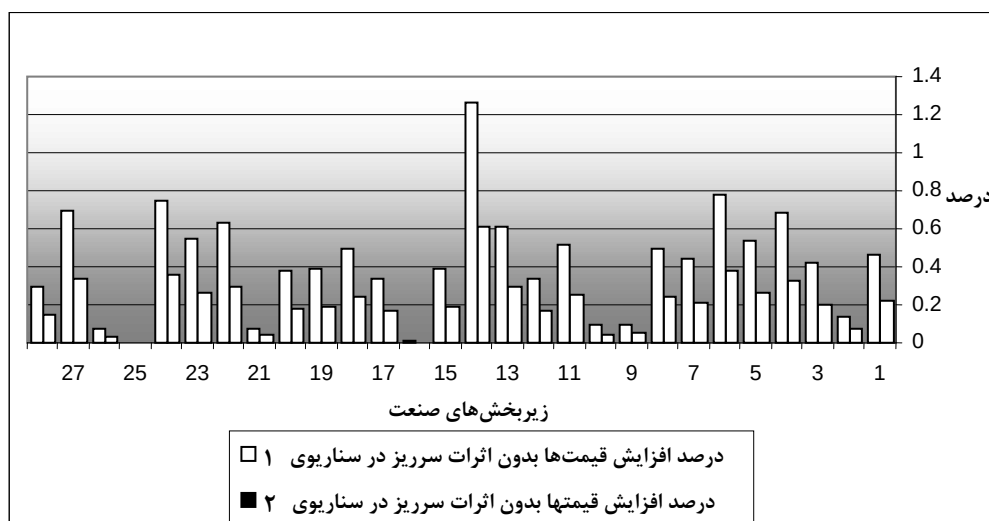
۲-۴. سناریوی دوم

در سناریوی دوم زمانی که تخمین را بدون اثرات سرریز انجام می‌دهیم، به جز «ابزارهای ایتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت»، بقیه بخش‌ها با افزایش قیمت مواجه می‌شوند. این مورد هم مشابه سناریوی اول بدان دلیل است که به‌رغم افزایش مزد و حقوق، در این بخش، دستمزد متوسط کاهش یافته و همین باعث کاهش کل هزینه دستمزد صنعت گردیده است.

در این برآورد، افزایش قیمت‌ها بین تقریباً صفر الی ۱/۲۶ درصد است که به‌طور متوسط، افزایش ۰/۴۲ درصدی را در همه بخش‌های صنعت، در شرایطی که اثرات سرریز را هم در نظر بگیریم، نشان می‌دهد. در این صورت، با اثر سرریز یک درصد، قیمت‌ها بین ۰/۰۴ (مربوط به ابزارهای ایتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت) و ۱/۳۵ درصد (مربوط به مبلمان) و با اثر سرریز سه درصد، بین ۰/۱۳ (مربوط به فرآورده‌های نفتی) و ۱/۵۳ درصد (مربوط به مبلمان) قرار می‌گیرد. متوسط افزایش قیمت‌ها هم در مورد اول در حدود ۰/۴۹ درصد و در مورد دوم در حدود ۰/۶۱ درصد تعیین می‌شود.

۳-۴. مقایسه سناریوی اول و دوم

یکی از مواردی که باعث می‌شود افزایش حداقل دستمزدها تأثیر بیشتری بر قیمت‌ها بگذارد این است که همزمان با افزایش حداقل دستمزدها، شاغلان حداقل دستمزد نیز افزایش یابند. میزان تأثیر این عامل را می‌توانیم با مقایسه سناریوی اول و دوم مشاهده کنیم. جهت ارزیابی این عامل از نمودار شماره ۱ استفاده می‌کنیم. در این نمودار، افزایش قیمت‌ها بدون اثرات سرریز (که فقط شامل شاغلین حداقل دستمزد می‌شود) مقایسه شده‌اند.



نمودار ۱. مقایسه افزایش قیمت‌ها در سناریوی ۱ و ۲

۴-۴. مقایسه نتایج با شاخص‌های قیمت

به منظور مقایسه نتایج با شاخص‌های قیمت تولیدکننده و نرخ تغییر، شاخص‌های قیمت تولیدکننده را از سایت بانک مرکزی استخراج کرده‌ایم. جدول شماره ۴ آمار موردنظر را نشان می‌دهد. نرخ تغییر شاخص کل تولیدکننده از سال ۱۳۷۹ به ۱۳۸۰ حدود ۱۰/۹۱ درصد برآورد شده است. در صورتی که متوسط برآورد انجام شده را به کل اقتصاد ایران تعمیم دهیم، متوجه می‌شویم که تغییرات قیمت محاسبه شده کمتر از نرخ شاخص تولیدکننده در سال ۱۳۸۰ است. این موضوع نشان می‌دهد که همه افزایش شاخص‌های قیمت به افزایش هزینه نیروی کار مربوط نمی‌شود. برای سایر برآوردها و شاخص‌ها نیز همین نتیجه به دست می‌آید.

جدول ۴. شاخص‌های قیمت تولیدکننده

	شاخص‌های قیمت شاخص بهای تولیدکننده واقعی بانک مرکزی	شاخص‌های قیمت شاخص بهای تولیدکننده گروه‌های اختصاصی (بدون واحد)	شاخص‌های قیمت شاخص بهای تولیدکننده گروه‌های اصلی (بدون واحد)	شاخص‌های قیمت شاخص بهای تولیدکننده گروه‌های اصلی (بدون واحد)
گروه	شاخص کل	مواد معدنی، محصولات صنعتی و تأمین برق و گاز و آب	محصولات صنعتی	محصولات صنعتی
سال				
1379	169.6	169	168.5	168.5
1380	188.1	178	177.3	177.3
درصد افزایش شاخص	10.90801887	5.325443787	5.222551929	5.222551929

مأخذ: سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

۵. عوامل تأثیرگذار بر افزایش قیمت

عوامل مختلفی باعث افزایش قیمت‌ها در صنایع مختلف می‌شود که در زیر به آنها اشاره می‌گردد:

۵-۱. عوامل تغییر خدمات کارکنان

موارد زیر باعث تغییر جبران خدمات کارکنان و در نتیجه تغییر قیمت‌ها می‌شود:

الف) میزان افزایش دستمزد متوسط

تغییر اشتغال، همزمان با افزایش هزینه مزد و حقوق، میزان افزایش دستمزد متوسط را تعیین می‌کند. هر چه افزایش دستمزد متوسط بیشتر باشد افزایش قیمت نیز بیشتر است. این موضوع را در شرایط بدون سرریز در دو سناریوی ۱ و ۲ با هم مقایسه می‌کنیم.

در زیربخش‌های «مبلان» (شماره ۱۴)، «روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی» (شماره ۱) و «تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات» (شماره ۲۳)، میزان افزایش دستمزد

متوسط بیشتر از بخش‌های دیگر است. در نتیجه، شاهد افزایش زیاد قیمت‌ها در این زیربخش‌ها هستیم. همچنین، در صنایع «ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت» (شماره ۲۵)، «سایر فلزات» (شماره ۱۶) و «وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم‌تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آنها» (شماره ۲۶)، به‌رغم افزایش هزینه مزد و حقوق، شاهد کاهش دستمزد متوسط هستیم که همین امر باعث شده تا تورم پایینی را در این صنایع داشته باشیم.

ب) سهم مزد و حقوق از جبران خدمات کارکنان

هر چه سهم مزد و حقوق از جبران خدمات بیشتر باشد - چون افزایش دستمزد متوسط تأثیر بیشتری در افزایش جبران خدمات دارد - در نتیجه، افزایش قیمت نیز بیشتر می‌شود.

زیربخش‌های «انواع پوشاک» (شماره ۵) و «انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی» (شماره ۶) سهم بالایی از جبران خدمات را به مزد و حقوق اختصاص داده‌اند. در نتیجه، تورم بالایی هم دارند. اما زیربخش‌های «ماشین‌آلات با کاربرد خاص» (شماره ۱۹) و «وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم‌تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آنها» (شماره ۲۶) تورم نسبتاً پایینی دارند که می‌تواند ناشی از سهم پایین مزد و حقوق از جبران خدمات باشد. (نک: جدول شماره ۳، ضمایم)

ج) درصد شاغلین حداقل دستمزد

از مقایسه سناریوی ۱ و ۲ می‌توانیم تأثیر افزایش درصد شاغلین حداقل دستمزد را ارزیابی کنیم. همان‌طور که مشاهده می‌شود با افزایش سهم شاغلین حداقل دستمزد قیمت کالاها و خدمات هم افزایش بیشتری داشته است.

۵-۲. سهم جبران خدمات کارکنان از ستانده کل

هر چه سهم هزینه دستمزد صنعت از کل هزینه‌های تولید بیشتر باشد با افزایش جبران خدمات کارکنان، قیمت کالاها و خدمات افزایش بیشتری پیدا می‌کند. به عنوان نمونه زیربخش‌های «منسوجات» (شماره ۴) و تجهیزات پزشکی و جراحی و وسایل ارتوپدی» (شماره ۲۴) دارای سهم هزینه دستمزد بالا و تورم بالایی هستند و، از طرف دیگر، «هزینه سایر محصولات غذایی و آشامیدنی» (شماره ۲) و «فرآورده‌های نفتی» (شماره ۹) کمتر و سهم و تورم آنها نیز پایین‌تر است (نک: جدول شماره ۱، ضمایم). نتیجه بررسی فوق نشان می‌دهد که تقریباً هر چه سهم جبران خدمات از تولید بیشتر باشد افزایش قیمت نیز بیشتر می‌شود که این موضوع نشان‌دهنده کاربرد بودن صنعت مورد نظر است.

۳-۵. مقایسه افزایش قیمت‌ها در سناریوی اول و دوم

با مقایسه افزایش قیمت‌ها در تخمین‌های انجام شده نتایج زیر حاصل می‌شود:

- «سایر محصولات غذایی و آشامیدنی»، «فرآورده‌های نفتی»، «مواد و محصولات شیمیایی»، «سایر فلزات»، «ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی»، «ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت»، «وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم‌تریلرها...» و «جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه‌بندی نشده در جای دیگر»، در تمام تخمین‌های انجام شده دارای تورم پایینی نسبت به سایر زیربخش‌ها هستند.
- «مواد و محصولات شیمیایی»، «سایر فلزات»، «ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی»، «ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت» و «وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم‌تریلرها...» دارای کمترین افزایش دستمزد متوسط هستند.
- «سایر محصولات غذایی و آشامیدنی»، «فرآورده‌های نفتی» و «جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه‌بندی نشده در جای دیگر» کمترین سهم جبران خدمات را از ستانده کل دارند. البته «فرآورده‌های نفتی» کمترین سهم مزد را هم داشته‌اند.
- «انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی»، «مبلمان»، «تجهیزات پزشکی و جراحی و وسایل ارتوپدی»، در تمام تخمین‌های انجام شده دارای تورم بالایی نسبت به سایر زیربخش‌ها هستند.
- «انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی»، «مبلمان»، «تجهیزات پزشکی و جراحی و وسایل ارتوپدی»، دارای سهم مزد و سهم جبران خدمات بالایی می‌باشند. همچنین، افزایش دستمزد متوسط آنها، به ویژه در بخش «مبلمان» بسیار بوده است.

۴-۵. مقایسه تخمین انجام شده با مطالعات دیگر

- در این قسمت تخمین انجام شده را با برآورد داده- ستانده کشورهای دیگر مقایسه می‌کنیم. در ابتدا برآوردهای دیگر را فهرست‌وار ارائه می‌کنیم:
- ولف و ندیری (۱۹۸۱) با فرض اثر انتقال کامل، بدون اثرات جانشینی، بدون اثر استخدامی و بدون اثرات سرریز، برآورد کردند که در ایالات متحده، در سال‌های ۱۹۶۳، ۱۹۷۲ و ۱۹۷۹، افزایش ۱۰ تا ۲۵ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت‌ها را در حدود ۰/۳ تا ۰/۴ درصد افزایش داده است.
- چینگوک لی و براین اوروارک (۱۹۹۹) و چینگوک لی، جرال شلاتر و براین اوروارک (۲۰۰۰) با فرض اثر انتقال کامل، بدون اثر جانشینی، بدون اثر استخدامی و بدون اثرات سرریز،

برآورد کردند که ۱۰ درصد افزایش در حداقل دستمزد در آمریکا، در سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۷، قیمت‌ها را در بخش‌های صرف غذا و نوشیدنی - صناعی که تعداد کارگران حداقل دستمزد بالایی دارند - در حدود ۰/۷۴ درصد افزایش می‌دهد. آنها مدلشان را با در نظر گرفتن درجات متفاوتی از اثرات سرریز مجدداً تخمین زدند و دریافتند که با اثرات سرریز بزرگ‌تر، اثرات قیمتی بیشتر می‌شود، [حتی] بالای ۱/۵ درصد.

- اوبراین - استرین و مک کوردی (۲۰۰۰) با فرض اثر انتقال کامل، بدون اثر جانشینی، بدون اثر استخدامی و بدون اثرات سرریز برآورد کردند که در کالیفرنیا، در سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۹، افزایش ۱۰ درصدی در حداقل دستمزد، قیمت‌های کالا را در حدود ۰/۳ تا ۲/۱۶ درصد افزایش می‌دهد.

- مک کوردی و مک اینتایر (۲۰۰۱) برآورد کردند که یک افزایش ۱۰ درصدی در حداقل دستمزد در آمریکا، در سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۶، قیمت‌های سراسری را در حدود ۰/۲۵ درصد و قیمت‌های غذایی که در بیرون (درون) خانه مصرف می‌شوند در حدود ۱/۲ درصد (۰/۸ درصد) افزایش می‌دهد.

- آرنسون در طول سه ماه بعد از یک افزایش دستمزد فهمید که ۱۰ درصد افزایش در حداقل دستمزد باعث ۰/۴ الی ۰/۷ درصد افزایش در قیمت‌های رستوران‌ها می‌شود که در ماه اول افزایش دستمزد، افزایش بیشتری اتفاق می‌افتد. همچنین، به این نتیجه رسید که در بخش غذای آماده، در عکس‌العمل به ۱۰ درصد افزایش حداقل دستمزد، قیمت‌ها ۱/۵ درصد افزایش می‌یابد. این بررسی در کانادا و آمریکا، در دوره زمانی ۱۹۹۵-۱۹۷۸ صورت گرفت. (آرنسون، ۲۰۰۶)

مقایسه مدل مربوط به ایران با برآوردهای بالا نشان می‌دهد با توجه به اینکه در ایران متوسط افزایش قیمت‌ها در تخمین‌های انجام شده (با در نظر گرفتن اثرات سرریز و بدون آن) بین ۰/۲ تا ۰/۶ درصد است، نتایج به دست آمده به مطالعات بالا نزدیک است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در مطالعات انجام گرفته بدون اثرات سرریز، افزایش قیمت‌ها کمتر از یک درصد بوده و این مورد در ایران هم اتفاق افتاده است. همچنین زمانی که اثرات سرریز را در محاسبات وارد می‌کنیم، افزایش قیمت‌ها، در برخی از موارد، به بالای یک درصد می‌رسد.

۶. نتیجه‌گیری

الف) در سناریوی اول - زمانی که درصد شاغلان حداقل دستمزد را ۱۳/۵ درصد در نظر می‌گیریم - افزایش قیمت‌ها بین تقریباً صفر الی ۰/۶۱ درصد است که، به‌طور متوسط، افزایش ۰/۲۱ درصدی را در بخش صنعت نشان می‌دهد. بیشترین افزایش قیمت مربوط به بخش «بلمان» بوده است.

وقتی که اثرات سرریز را هم در تخمین وارد کنیم، تمام بخش‌ها با افزایش قیمت مواجه می‌شوند. در این صورت، با اثر سرریز یک درصد افزایش، قیمت‌ها در محدوده $0/06 - 0/72$ و با اثر سرریز سه درصد، در محدوده $0/08 - 0/93$ درصد افزایش قرار می‌گیرند.

ب) در سناریوی دوم - زمانی که درصد شاغلین حداقل دستمزد را ۲۸ درصد در نظر می‌گیریم - افزایش قیمت‌ها بین تقریباً صفر الی $1/26$ درصد است که، به طور متوسط، افزایش $0/42$ درصدی را در بخش صنعت نشان می‌دهد. در شرایطی که اثرات سرریز را هم در نظر بگیریم، در تمام بخش‌ها قیمت‌ها افزایش می‌یابند. در این صورت، با اثر سرریز یک درصد، قیمت‌ها در محدوده $0/35 - 0/4$ درصد، و با اثر سرریز سه درصد در محدوده $1/53 - 0/13$ درصد قرار می‌گیرند.

ج) مقایسه مدل مربوط به ایران با برآوردهای سایر کشورها نشان می‌دهد با توجه به اینکه در ایران متوسط افزایش قیمت‌ها در تخمین‌های انجام شده (با در نظر گرفتن اثرات سرریز و بدون آن) بین $0/2$ تا $0/6$ درصد است، نتایج به دست آمده به مطالعات سایر کشورها نزدیک است. همان‌طور که مشاهده شد در تمام مطالعات انجام گرفته بدون اثرات سرریز، افزایش قیمت‌ها کمتر از یک درصد است که این مورد در ایران هم اتفاق افتاده است. همچنین زمانی که اثرات سرریز را در محاسبات وارد می‌کنیم، افزایش قیمت‌ها در برخی از موارد به بالای یک درصد می‌رسد.

د) تحت فروض محدودکننده مدل داده - ستانده، افزایش حداقل دستمزد تأثیر چشمگیری بر قیمت‌ها ندارد و بیشتر باید به اثرات اشتغالی آن توجه کرد.

۷. پیشنهادات

با توجه به مشکلاتی که کشورمان همه ساله در تعیین حداقل دستمزد با آن مواجه است مواردی به صورت زیر پیشنهاد می‌گردد:

الف) به منظور بهتر محقق شدن اهداف اصلی حداقل دستمزد و کم شدن اثرات منفی آن به نظر می‌رسد وجود سیاست‌های مکمل حداقل دستمزد ضروری است تا در نتیجه آن سطح زندگی کارگران کم‌درآمد و خانواده‌های آنان بهبود یابد.

ب) چند نرخ حداقل دستمزد برای مناطق مختلف در نظر گرفته شود تا دستمزدها با توجه به هزینه‌های زندگی در مناطق مختلف تعیین گردد. البته نباید افزایش در حدی باشد که باعث مهاجرت نیروی کار شود. یعنی باید تفاوت حداقل دستمزد مناطق به گونه‌ای نباشد که به مهاجرت به کلان‌شهرها

منجر شود، زیرا در کلان‌شهرها معمولاً هزینه زندگی بالاتر است و اگر حداقل دستمزد بالاتر تعیین شود ممکن است فرآیند مهاجرت به شهرهای بزرگ را تشدید کند.

ج) استفاده از تجارب سایر کشورها در این زمینه می‌تواند مفید باشد. بنابراین، لازم است تا روش‌های مختلف تعیین حداقل دستمزد در کشورهای مختلف مورد ارزیابی قرار گیرد تا بتوان راه‌های بهتری با اثرات منفی کمتر، یافت.

د) نتایج این مطالعه باید با احتیاط تفسیر شود زیرا فروض محدودکننده‌ای در محاسبات و برآوردها در نظر گرفته شده است و توصیه نمی‌شود در مباحث سیاست‌گذاری از آن استفاده شود.

جدول ۵. ضریب واردات، ضریب تولیدات داخلی و سهم جبران خدمات اولیه از ستانده کل

ردیف	عنوان محصولات	ضریب واردات (b)	ضریب تولیدات داخلی (I - b)	جبران خدمات اولیه / ستانده کل
۱	روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی	۰,۳۲۹۰	۰,۶۷۱۰	۰,۰۵۴۲۶۶۹۶
۲	سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	۰,۰۶۸۹	۰,۹۳۱۱	۰,۰۴۶۴۶۰۴۵
۳	محصولات از توتون و تنباکو	۰,۶۱۳۵	۰,۳۸۶۵	۰,۲۶۵۵۰۵۶۲۹
۴	منسوجات	۰,۱۵۲۲	۰,۸۴۷۸	۰,۱۶۱۳۶۳۱۰۶
۵	انواع پوشاک	۰,۶۸۲۰	۰,۳۱۸۰	۰,۱۱۶۰۳۱۴۲۹
۶	انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی	۰,۶۱۷۲	۰,۳۸۲۸	۰,۱۵۱۷۴۲۹۸۲
۷	محصولات ساخته شده از چوب، چوب پنبه، نی و حصیر	۰,۱۶۰۶	۰,۸۳۹۴	۰,۱۲۹۲۵۲۷۶۷
۸	خمیر کاغذ، کاغذ و محصولات کاغذی، اوراق چاپی و کالاهای مربوط	۰,۳۹۸۲	۰,۶۰۱۷	۰,۱۴۸۵۸۰۳۴۳
۹	فرآورده‌های نفتی	۰,۱۰۴۷	۰,۸۹۵۲	۰,۰۳۷۹۴۱۳۶۹
۱۰	مواد و محصولات شیمیایی	۰,۳۸۷۲	۰,۶۱۲۸	۰,۰۷۷۳۰۶۲۴۷
۱۱	محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۰,۲۲۶۸	۰,۷۷۳۱	۰,۱۲۲۹۷۶۰۴۲
۱۲	شیشه و محصولات شیشه‌ای	۰,۲۶۳۷	۰,۷۳۶۲	۰,۱۵۵۴۴۵۰۷۱
۱۳	سایر محصولات کانی	۰,۰۴۷۱	۰,۹۵۲۹	۰,۱۵۹۱۴۱۲۱۷
۱۴	مبلمان	۰,۰۰۶۸	۰,۹۹۳۱	۰,۱۵۹۷۰۹۱۳۷
۱۵	آهن، فولاد و محصولات آن	۰,۲۸۴۵	۰,۷۱۵۴	۰,۰۸۵۳۷۴۶۸۴
۱۶	سایر فلزات	۰,۱۹۸۷	۰,۸۰۱۳	۰,۱۰۲۰۱۱۹
۱۷	محصولات فلزی	۰,۱۸۱۰	۰,۸۱۸۹	۰,۰۹۹۰۸۹۰۹۶
۱۸	ماشین آلات با کاربرد عام	۰,۷۶۹۵	۰,۲۳۰۵	۰,۱۷۴۷۳۲۱۹
۱۹	ماشین آلات با کاربرد خاص	۰,۶۰۵۳	۰,۳۹۴۶	۰,۰۷۴۹۲۲۹۷۳
۲۰	وسایل خانگی و قطعات مربوط	۰,۰۷۱۹	۰,۹۲۸۱	۰,۱۰۹۳۶۱۴۴
۲۱	ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۰,۷۷۰۹	۰,۲۲۹۱	۰,۰۷۹۲۲۵

۲۶ فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۷۴

۰,۱۱۶۵۱۷۹۰۹	۰,۶۲۶۴	۰,۳۷۳۶	ماشین آلات و دستگاه‌های الکتریکی	۲۲
۰,۰۷۹۸۸۹۹۶۵	۰,۳۴۱۴	۰,۶۵۸۵	تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات	۲۳
۰,۱۶۷۴۵۵۴۰۲	۰,۳۷۶۰	۰,۶۲۳۹	تجهیزات پزشکی و جراحی و وسائل ارتوپدی	۲۴
۰,۱۵۴۴۸۷۶۳۷	۰,۱۴۷۹	۰,۸۵۲۰	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۲۵
۰,۰۵۳۳۷۵۵۷۵	۰,۸۰۲۲	۰,۱۹۷۷	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آنها	۲۶
۰,۱۳۲۷۱۷۵۷۱	۰,۴۴۴۵	۰,۵۵۵۴	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	۲۷
۰,۰۳۱۸۷۸۳۲۷	۰,۷۳۴۶	۰,۲۶۵۳	جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر	۲۸

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۶. تعداد شاغلان و میزان مزد و حقوق کارکنان در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰

ردیف	عنوان محصولات	سال ۱۳۷۹		سال ۱۳۸۰	
		تعداد شاغلان	مزد و حقوق (میلیون ریال)	تعداد شاغلان	مزد و حقوق (میلیون ریال)
۱	روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی	۱۱۰۱۹	۱۱۷۰۸۰	۱۰۹۷۹	۱۵۶۰۶۰
۲	سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	۱۱۷۰۳۰	۱۰۷۵۰۸۹	۱۱۶۳۴۱	۱۲۳۶۹۶۹
۳	محصولات از توتون و تنباکو	۷۱۶۰	۹۳۷۸۲	۹۶۱۴	۱۳۸۹۰۵
۴	منسوجات	۱۴۱۸۱۸	۱۱۸۷۵۲۳	۱۳۴۰۶۱	۱۳۶۴۰۷۱
۵	انواع پوشاک	۴۸۱۸	۳۶۹۶۸	۴۹۹۰	۴۳۲۲۵
۶	انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی	۱۳۰۵۲	۱۰۵۳۸۸	۱۲۷۳۰	۱۲۶۵۹۴
۷	محصولات ساخته شده از چوب، چوب پنبه، نی و مواد حصیر بافی	۸۶۷۲	۷۳۸۲۰	۸۸۵۹	۸۷۸۷۵
۸	خمیر کاغذ، کاغذ و محصولات کاغذی، اوراق چاپی و کالاهای مربوط	۲۴۸۲۴	۲۳۹۴۵۱	۲۵۵۲۰	۲۸۷۷۷۴
۹	فرآورده‌های نفتی	۱۶۶۹۵	۲۰۰۲۷۳	۱۷۲۱۴	۲۶۳۰۰۶
۱۰	مواد و محصولات شیمیایی	۶۳۹۴۹	۸۷۷۷۷	۶۵۹۲۵	۹۴۶۰۹۶
۱۱	محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۳۵۴۶۹	۳۵۹۱۵۷	۳۵۸۹۳	۴۴۰۸۷۳
۱۲	شیشه و محصولات شیشه‌ای	۱۲۴۸۱	۱۱۷۰۳۸	۱۲۵۵۱	۱۳۱۶۲۹
۱۳	سایر محصولات کانی	۱۱۱۴۱۱	۱۰۸۰۳۷۵	۱۱۲۲۶۵	۱۳۱۶۹۳۴
۱۴	مبلمان	۶۳۵۱	۵۲۴۲۷	۷۱۹۷	۸۲۶۱۹
۱۵	آهن، فولاد و محصولات آن	۴۴۳۲۹	۵۷۰۵۸۲	۴۲۳۰۳	۷۰۵۲۰۱
۱۶	سایر فلزات	۲۶۲۶۶	۴۱۴۹۲۲	۲۸۲۳۹	۴۴۴۹۹۱
۱۷	محصولات فلزی	۴۹۶۸۳	۴۹۹۶۹۲	۴۸۸۱۲	۵۶۸۵۵۱
۱۸	ماشین آلات با کاربرد عام	۲۸۱۲۹	۲۹۰۵۴۶	۲۹۶۲۸	۳۴۸۲۳۸
۱۹	ماشین آلات با کاربرد خاص	۲۲۸۳۱	۲۲۹۴۸۳	۲۲۳۵۱	۲۸۱۶۲۱
۲۰	وسایل خانگی و قطعات مربوط	۲۱۴۱۲	۲۱۸۶۹۸	۲۱۴۳۷	۲۵۵۰۱۹

تأثیر حداقل دستمزد بر قیمت کالاها و خدمات در ... ۲۷

۱۷۶۱۰	۱۵۴۵	۱۷۴۱۷	۱۵۷۸	ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۲۱
۵۱۲۴۴۱	۳۶۷۹۲	۳۷۲۶۵۲	۳۳۷۶۵	ماشین آلات و دستگاه‌های الکتریکی	۲۲
۱۲۷۷۳۱	۱۰۱۱۲	۹۵۵۶۱	۱۰۰۹۴	تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات	۲۳
۶۷۶۲۷	۶۵۹۷	۴۴۷۲۴	۵۲۳۷	تجهیزات پزشکی و جراحی و وسائل ارتوپدی	۲۴
۴۸۲۷۴	۴۴۴۳	۴۷۱۹۱	۴۱۹۳	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۲۵
۸۸۳۵۸۶	۶۷۴۱۶	۷۷۹۴۱۴	۵۹۴۴۳	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آنها	۲۶
۱۹۹۱۰۰	۱۶۳۱۰	۱۱۸۹۶۸	۱۲۴۸۰	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	۲۷
۳۲۹۹۲	۳۰۶۱	۲۶۵۰۰	۳۲۳۸	جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر	۲۸

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۷. درصد افزایش جبران خدمات کارکنان در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹

ردیف	عنوان محصولات	درصد افزایش دستمزد متوسط	سهم مزد و حقوق از جبران خدمات	درصد افزایش جبران خدمات کارکنان (سناریوی ۱)	درصد افزایش جبران خدمات کارکنان (سناریوی ۲)
۱	روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی	۳۳,۷۷۹۱۰۵۲	۶۲,۸۸۴۰۵۹۷۸	۲,۸۶۷۶۲۵۸۱۶	۵,۹۴۷۶۶۶۸
۲	سایر محصولات غذایی و آشامیدنی	۱۵,۷۳۸۷۵۶	۵۶,۲۳۴۸۱۰۰۸	۱,۱۹۴۸۳۹۰۳۹	۲,۴۷۸۱۸۵
۳	محصولات از توتون و تنباکو	۱۰,۳۰۸۰۷۱۷۸	۵۳,۱۴۱۱۰۳۸۷	۰,۷۳۹۵۰۶۱۲۲	۱,۵۳۳۷۹
۴	منسوجات	۲۱,۵۱۳۳۰۹۱۲	۵۹,۷۸۰۷۴۲۳۱	۱,۷۳۶۲۱۰۱۴۴	۳,۶۰۱۰۲۸
۵	انواع پوشاک	۱۲,۸۹۵۱۵۳	۷۰,۳۶۲۳۵۱۸۷	۱,۲۲۴۸۹۹۹۴۵	۲,۵۴۰۵۳۳
۶	انواع کفش و اجزای آن و سایر محصولات چرمی	۲۳,۱۶۰۲۶۶۸۵	۶۸,۱۸۵۹۳۱۲۷	۲,۱۳۱۹۲۵۸۹۱	۴,۴۲۱۷۷۲
۷	محصولات ساخته شده از چوب، چوب پنبه، نی و مواد حصیر بافی	۱۶,۵۲۶۸۱۱۹۲	۵۲,۶۲۲۵۹۶۴۳	۱,۱۷۴۰۷۳۰۶۸	۲,۴۳۵۱۱۵
۸	خمیر کاغذ، کاغذ و محصولات کاغذی، اوراق چاپی و کالاهای مربوط	۱۶,۹۰۳۰۹۰۰۶	۵۳,۳۱۵۹۶۷۳۳	۱,۲۱۶۶۲۶۲۰۷	۲,۵۲۳۳۷۳
۹	فرآورده‌های نفتی	۲۷,۳۶۴۳۴۸۲۶	۳۱,۸۰۹۳۰۳۳۴	۱,۱۷۵۰۹۵۱۵۴	۲,۴۳۷۲۳۴
۱۰	مواد و محصولات شیمیایی	۴,۵۵۲۵۴۹۷۲۷	۵۱,۳۲۹۱۶۰۱۴	۰,۳۱۵۴۶۶۰۴۸	۰,۶۵۴۳
۱۱	محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۲۱,۳۰۲۱۰۹۲۴	۶۰,۰۲۰۹۳۸۵	۱,۷۲۶۰۷۲۹۹۵	۳,۵۸۰۰۰۳
۱۲	شیشه و محصولات شیشه‌ای	۱۱,۸۳۹۶۳۵۷۱	۵۴,۸۰۱۱۱۹۱	۰,۸۷۵۹۱۴۱۳۷	۱,۸۱۶۷۱۱
۱۳	سایر محصولات کانی	۲۰,۹۶۸۷۴۵۲۴	۶۰,۳۵۶۷۹۶۶۷	۱,۷۰۸۵۶۸۴۹۵	۳,۵۴۳۶۹۸
۱۴	میلان	۳۹,۰۶۴۲۶۲۵۵	۶۶,۴۳۱۶۰۹۶۷	۳,۵۰۳۳۸۷۴۸۶	۷,۲۶۶۲۸۵
۱۵	آهن، فولاد و محصولات آن	۲۹,۵۱۲۴۷۹۹۷	۴۳,۹۰۱۰۷۷۰۴	۱,۷۴۹۱۰۰۰۳۷	۳,۶۲۷۷۶۳

۲۸ فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۷۴

۱۶	سایر فلزات	-	۵۷,۳۲۱۵۲۳۵۷	-۰,۹۱۹۰۵۲۹۷۳	-۰,۰۳۹۵۲
۱۷	محصولات فلزی	۰,۲۴۶۲۱۳۱۵۶	۵۶,۷۲۷۱۲۳۶۱	۱,۱۹۸۰۹۹۳۲۹	۲,۴۸۴۹۴۷
۱۸	ماشین آلات با کاربرد عام	۱۵,۶۴۴۷۳۷۹۷	۶۰,۲۸۸۶۳۳۶۶	۱,۱۲۲۵۵۷۸۰۸	۲,۳۲۸۲۶۸
۱۹	ماشین آلات با کاربرد خاص	۱۳,۷۹۲۳۸۹۲۴	۵۲,۹۲۵۵۳۳۹۱	۱,۸۱۱۶۱۸۴۸۷	۳,۷۵۷۴۳۱
۲۰	وسایل خانگی و قطعات مربوط	۲۵,۳۵۵۲۴۰۱	۵۶,۲۱۷۵۲۵۷۸	۱,۲۵۰۱۰۸۵۷۴	۲,۵۹۲۸۱۸
۲۱	ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۱۶,۴۷۱۸۴۴۶۵	۷۳,۲۵۹۰۰۶۵۷	۰,۳۲۳۱۷۴۷۶۴	۰,۶۷۰۲۸۸
۲۲	ماشین آلات و دستگاه‌های الکتریکی	۳,۲۶۷۰۳۵۲۱	۶۵,۵۸۸۴۱۸۲۵	۲,۳۱۹۷۱۸۶۸۴	۴,۸۱۱۲۶۸
۲۳	تجهیزات و دستگاه‌های مربوط به رادیو و تلویزیون و مخابرات	۲۶,۱۹۸۳۷۷۴۳	۵۶,۰۴۴۲۴۵۳۴	۲,۵۲۹۰۳۴۷۰۶	۵,۲۴۵۴۰۵
۲۴	تجهیزات پزشکی و جراحی و وسائل ارتوپدی	۳۳,۴۲۶۴۲۹۹۶	۶۹,۴۱۰۱۴۶۶۷	۱,۸۷۷۵۵۲۴	۳,۸۹۴۱۸۳
۲۵	ابزارهای اپتیکی و ابزار دقیق، ساعت‌های مچی و انواع دیگر ساعت	۲۰,۰۳۷۱۲۱۶۹	۶۳,۲۲۸۸۹۹۲۵	-۰,۲۹۵۴۳۰۲۲۲	-۰,۶۱۲۷۴
۲۶	وسایل نقلیه موتوری، تریلرها و نیم تریلرها، بدنه، قطعات و لوازم الحاقی آنها	۰,۰۴۱۸۱۴۸۹۵	۴۱,۲۴۴۷۵۶۲۲	-۰,۰۰۲۳۲۸۲۷۱	-۰,۰۰۴۸۳
۲۷	سایر وسایل و تجهیزات حمل و نقل و قطعات آنها	۲۸,۰۵۶۵۲۸۳۳	۵۴,۸۵۳۴۷۱۵۳	۲,۰۷۷۶۴۷۲۷	۴,۳۰۹۱۹۴
۲۸	جواهرات و کالاهای متفرقه طبقه بندی نشده در جای دیگر	۳۱,۶۹۷۱۲۲۰۴	۶۹,۹۵۶۱۰۷۸	۲,۹۹۳۴۹۹۸۳۷	۶,۲۰۸۷۴

مأخذ: محاسبات تحقیق

منابع

- باقری‌نژادیان فرد، محمدباقر (۱۳۷۷)، "بررسی عوامل مؤثر در تعیین حداقل دستمزد کارگران ایران و ارائه راه-کارهای مناسب"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۰)، *بانک اطلاعات سری‌های زمانی اقتصادی*، تهران: اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- برانسون، اچ ویلیام (۱۳۸۴)، *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، ترجمه عباس شاکری، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.
- توفیق، فیروز (۱۳۷۱)، *تحلیل داده - ستانده در ایران و کاربردهای آن در سنجش، پیش‌بینی و برنامه‌ریزی*، چاپ اول، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- جلالی نائینی، سید احمدرضا، محمدرضا میرحسینی (۱۳۷۷)، "یک الگوی تلفیقی تورم: فشار هزینه و اضافه تقاضا"، *برنامه و بودجه*، شماره ۳۴ و ۳۵، صص ۹۱-۱۰۵.
- جهانی رابنی، پروانه، اشرف‌السادات میری، خدیجه تقی‌زاده، بنفشه پورحسینی و نجم‌الدین آهمند (۱۳۸۶)، "روند نرخ تورم طی سال‌های اخیر؛ علت‌شناسی و ارائه راهکارهای اجرایی مقابله با آن"، *ماهنامه مسائل و سیاست‌های اقتصادی (ویژه‌نامه تورم)*، شماره ۷۵ و ۷۶، صص ۱۰۷-۷۹.
- سوری، علی، محسن بختیار (۱۳۷۷)، "بررسی اثرات تورمی افزایش قیمت انرژی"، وزارت نیرو، معاونت برق و انرژی، گروه مدل‌سازی و تلفیق، دفتر برنامه‌ریزی انرژی، صص ۷-۱.
- مؤسسه کار و تأمین اجتماعی گروه اقتصاد کار (۱۳۷۳)، "روند حداقل مزد"، کار و جامعه، شماره ۴، صص ۲۰-۱۷.
- ملک‌محمدی، بهروز (۱۳۶۸)، "صورت‌جلسات شورای اقتصاد ۱۳۶۵-۱۳۵۲"، حقوق و دستمزد جمعیت و نیروی انسانی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی.
- وزارت کار و امور اجتماعی، اداره کل بهره‌وری و مزد (۱۳۸۱ و ۱۳۷۹)، "گزارش راجع به مزد"، تهران: وزارت کار و امور اجتماعی، معاونت تنظیم روابط کار.
- وزارت کار و امور اجتماعی، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی (۱۳۸۰)، "تاریخچه حداقل دستمزد در ایران"، تهران: وزارت کار و امور اجتماعی.

Aaronson, Daniel and Eric French (2006), "Output Prices and the Minimum Wage", *Employment Policies Institute*, pp 1-15.

Bhaskar, V. and Ted to (1998), "Minimum Wages for Ronald Macdonald Monopsonies: A Theory of Monopsonistic Competition", pp1-17.

Borjas, J, George (2005), "Labor Economics", Published by McGraw-Hill/Irwin, a Business Unit of McGraw-Hill Companies United States, New York: Third Edition, p 536.

Eatwell, John, Morray Milgate and Peter Newman (1988), "The New Palgrave a Dictionary of Economics", Volume 4 (Q to Z), Published in the Macmillan Press Limited, London.

Lee, Chinkook and Brian O'Roark (1999), "The Impact of Minimum Wage Increases on Food and Kindred Products Prices: An Analysis of Price Pass - Through", US Department of Agriculture Technical Bulletin, No.1877.

Lee, Chinkook, Gerald Schluter, and Brian O'Roark (2000), "How Much Would Increasing the Minimum Wage Affect Food Prices?", *Agriculture Information Bulletin* No.747-03, pp 1-8.

Lee, Chinkook, Gerald Schluter and Brian O'Roark (2000), "Minimum Wage and Food Prices: an Analysis of Price Pass –Through Effect", Economic Research Service, US Department of Agriculture, *International Food and Agribusiness Management Review* 3, pp 111 – 128.

Lemos, Sara (2004), "The Effect of the Minimum Wage on Prices in Brazil", University of Leicester, Working Paper No.04/6.

Lemos, Sara (2006), "A Survey of The Effects of The Minimum Wage on Prices", University of Leicester, UK, Department of Economics, Working Paper No. 06/9, pp 1-37.

MaCurdy, T, F. McIntyre (2001), "Winners and Losers of Federal and State Minimum Wage", Employment Policies Institute Foundation Paper 6/01, pp 1-71.

O'Brein-Strain, Margaret, Thomas MaCurdy (2000), "Increasing the Minimum Wage: California's Winners and Losers", *Public Policy Institute of California*, pp 1-79.

Wolf, E. and M. Nadiri (1981), "A Simulation Model of the Effects of an Increase in the Minimum Wage on Employment, Output and the Price Level", *Report of the Minimum Wage Paper Commission*, 6, pp 217- 232.